

## نقش بانک‌ها در تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی (مطالعه موردی جزیره کیش)



### چکیده

در این مطالعه به بررسی نقش و اهمیت بانک‌ها در تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی که بر رشد سرمایه‌گذاری از طریق تامین مالی بدهی (وام) تاثیر می‌گذارد، پرداخته شده است. داده‌ها از مصاحبه بر اساس یک پرسشنامه محقق ساخته با ۱۵۰ شرکت کوچک و متوسط در جزیره کیش جمع‌آوری شده است. سپس، بر اساس مدل اقتصادسنجی رگرسیون خطی، عوامل کلیدی که بر رشد سرمایه‌گذاری تامین شده توسط بدهی تاثیر می‌گذارد شناسایی شد ابزار تحلیل اطلاعات نرم‌افزار SATA بوده است. نتایج پژوهش حاضر نشان که بین سن شرکت، اندازه، طرح تجاری، سه بخش: شرکت‌های تولیدی، تجاری و خدماتی، متغیر مالکان، منابع تامین مالی و رشد سرمایه‌گذاری تامین شده از بانک‌ها همبستگی متقابل وجود دارد. بنابراین، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که دسترسی به منابع مالی خارجی از طریق وام بانکی عامل مهمی است که بر رشد سرمایه‌گذاری تاثیر می‌گذارد.

**کلیدواژه‌گان:** بنگاه‌های اقتصادی (SME)، بدهی (وام)، تامین مالی، سرمایه‌گذاری

سعید یکتائی<sup>۱</sup>

۱. دکترای حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد واحد بین‌المللی کیش، کیش، ایران

**شیوه استناددهی:** یکتائی، سعید. (۱۴۰۴). نقش بانک‌ها در تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی (مطالعه موردی جزیره کیش). *اقتصاد و سیاست‌گذاری مالی*، ۲(۲)، ۸۳-۷۰.

\* ایمیل نویسنده مسئول: Saeid.yektaei@ut.ac.ir

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



# The Role of Banks in Financing Business Enterprises (Case Study: Kish Island)

## Abstract

This study examines the role and significance of banks in financing business enterprises, which influences investment growth through debt financing (loans). Data were collected through interviews based on a researcher-designed questionnaire administered to 150 small and medium-sized enterprises (SMEs) on Kish Island. Subsequently, using a linear regression econometric model, key factors affecting investment growth financed by debt were identified. The statistical analysis tool applied was STATA software. The findings of this research indicate that there is a reciprocal correlation between firm age, size, business plan, the three sectors of manufacturing, commercial, and service companies, ownership variables, financing sources, and the growth of investment financed by banks. Therefore, the results of this study suggest that access to external financial resources through bank loans is an important factor influencing investment growth.

**Keywords:** *business enterprises (SMEs), debt (loan), financing, investment*

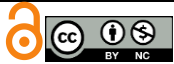


Saeid Yektaei<sup>1\*</sup>

1. Ph.D. in Private Law, Department of Law, Islamic Azad University, Kish International Branch, Kish, Iran

\*Corresponding Author's Email:  
Saeid.yektaei@ut.ac.ir

**How to cite:** Yektaei, S. (2025). The Role of Banks in Financing Business Enterprises (Case Study: Kish Island). *Economics and Financial Policymaking*, 2(2), 70-83.



بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) به عنوان ستون فقرات بخش خصوصی در سراسر جهان محسوب می‌شوند که نقش آن‌ها را در اشتغال، توزیع درآمد، فقرزدایی و توانمندسازی زنان و جوانان تضمین می‌کنند. آن‌ها علاوه بر نقشی که در توسعه اقتصادی دارند، در توسعه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز نقش حیاتی دارند. با این حال، توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط به دلیل موانع مختلف با مشکل مواجه شده است. این مشکلات ممکن است در بین کشورها، مناطق و بخش‌ها متفاوت باشد، اما مشکلات مشترک خاصی وجود دارد که همه SMEها با آن روبرو هستند. یکی از این مشکلات دسترسی به منابع مالی است. این را

می‌توان در نیاز شرکت‌ها به صندوق برای راه اندازی و رشد مشاهده کرد. دو منبع اصلی تأمین مالی برای SMEها به ویژه در مرحله راه اندازی وجود دارد که بخش رسمی شامل بانک‌ها و مؤسسات مالی و بخش غیررسمی که شامل استقراض از خانواده‌ها و دوستان می‌باشد (گودکه و یگا و مک کاهری<sup>۱</sup>؛ ۲۰۱۹). بخش بانکی، به عنوان منبع اصلی تأمین مالی، تمایلی به وام دادن به SMEها ندارد، زیرا آن‌ها قادر به وثیقه کافی نیستند و گاهی اوقات جدید بودن آن‌ها به عنوان یک سابقه ناکافی به "تعبیر بانکی" تبدیل می‌شود. هدف بانک‌ها به طور کلی به حداکثر رساندن سود خود است، بنابراین باید به طور همزمان به دنبال بالاترین بازده ممکن برای وام‌ها و اوراق بهادار، کاهش ریسک و تأمین نقدینگی مناسب با نگهداری دارایی‌های نقدی باشند. بانک‌ها سعی می‌کنند این اهداف را به روش‌های زیر به انجام برسانند: وام گیرندگانی بیابند که بتوانند نرخ بهره بالایی بپردازند و متعهد عمل کنند. آن‌ها به دنبال سرمایه‌گذاری با کیفیت بالا با نرخ بازده بالا هستند. و نقدینگی دارایی‌های خود را مدیریت می‌کنند تا بتوانند نیاز دارایی‌های ذخیره را بدون متحمل شدن هزینه‌های هنگفت برآورده کنند. با این حال، این عوامل، ماموریت شرکت‌های کوچک و متوسط را برای استقراض از بانک‌های تجاری بسیار دشوار می‌کند (رستمی و گودرزی، ۱۴۰۱)، این امر نه تنها به دلیل عدم اطلاعات در مورد بازدهی است که می‌تواند توسط شرکت‌های کوچک و متوسط انجام شود، بلکه به دلیل ناتوانی این شرکت‌ها در پرداخت نرخ‌های سود بالا یا تعهد وثیقه کافی است که ممکن است توسط بانک‌ها درخواست شود

(فینگان<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳) از موانع اصلی در بازارهای مالی برای دسترسی بنگاه‌های اقتصادی به منابع مالی میتوان اشاره کرد به: ۱- عدم تقارن اطلاعات، ۲- اندازه شرکت ۳- عدم وجود سوابق مالی کافی و ۴- داده‌های حسابداری متناقض، که فرآیند بررسی تسهیلات مالی را برای بانک‌ها پیچیده و سخت میکند (سهیلی و همکاران، ۱۳۹۹). این واقعیت که بخش بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران نسبتاً جدید است و ۸۰٪ از کل بنگاه‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد، نشان دهنده پتانسیل عظیمی برای ایجاد مشاغل جدید و توسعه اقتصادی کشور است. بر اساس داده‌های بانک مرکزی در کشور ایران (۱۴۰۲)، مانع اصلی توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران دسترسی به وام‌های بانکی است. تنها ۴/۵ درصد از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط از طریق وام‌های بانکی تأمین مالی می‌شود و بیش از ۹۵ درصد از سرمایه‌گذاری‌ها از منابع خصوصی تأمین مالی می‌شود (بانک مرکزی، ۱۴۰۲). هدف این مطالعه بررسی نقش و اهمیت بانک‌ها در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی است که بر رشد سرمایه‌گذاری از طریق تأمین مالی بدهی (وام) در ایران تأثیر می‌گذارد. بنابراین، سوال تحقیق در این مطالعه این است: چگونه رشد سرمایه‌گذاری از طریق تأمین مالی بدهی (وام) بر عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط تأثیر می‌گذارد؟

## مروری بر پیشینه نگاشته‌های پژوهشی

مطالعات داخلی و خارجی متعددی به منظور بررسی تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط با در نظر گرفتن نقش بانک‌ها در دسترسی به منابع مالی به طور عام و خاص صورت گرفته است که عبارتند از:

<sup>1</sup> Godke Vega & McCahry, 2019

<sup>2</sup> Finnegan, 2023

موتمنی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان "شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر موفقیت تامین مالی زنجیره‌ای برای شرکت‌های کوچک و متوسط" پرداختند. نتایج نشان داد: سیستم فعلی تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی به گونه‌ای است که بنگاه‌ها ناچارند برای تامین مالی سرمایه در گردش هر یک جداگانه به بانک مراجعه کنند، وثیقه بگذارند و بابت خرید مواد اولیه، درخواست تسهیلات سرمایه در گردش خود را به بانک‌ها ارائه کنند. این امر هم بر منابع بانک‌ها فشار وارد می‌کند و هم هزینه تامین مالی را برای بنگاه‌ها بالا می‌برد. از سوی دیگر فرآیند تولید را نیز بعضاً با وقفه دچار می‌کند. به موارد فوق، تامین مالی موازی بنگاه‌ها و تامین مالی بنگاه‌ها از بازارهای غیررسمی را نیز باید اضافه کرد که عملاً قیمت تمام‌شده محصول را افزایش می‌دهد و نهایتاً این افزایش هزینه تمام‌شده به مصرف‌کننده نهایی منتقل می‌شود. از طرف دیگر فرآیندهای تامین مالی و اعتباری در نظام مالی کشور از شفافیت کافی برخوردار نبوده و این مساله همواره به عنوان یک نقیصه نگران‌کننده برای شبکه بانکی کشور مطرح بوده است.

رستمی و گودرزی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان "بررسی ارتباط بین سرمایه‌گذاری خطرپذیر و بهبود دسترسی به وام‌های بانکی در شرکت‌های کوچک و متوسط" پرداختند. نتایج نشان داد: یکی از اصلی‌ترین محدودیت‌های این شرکت‌ها در بحث تامین مالی است. بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند توسط بانک‌ها، موسسات مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر و شرکت‌های لیزینگ و... مورد حمایت و پشتیبانی مالی قرار بگیرند. این شرکت‌ها به دلیل سابقه کم فعالیت و عدم قطعیت سرمایه‌گذاران نسبت به آن‌ها و نیز عدم تقارن اطلاعات، نسبت به شرکت‌های بزرگ با دشواری‌های بیشتری به وام‌های بانکی دسترسی پیدا می‌کنند و معمولاً بانک‌ها هزینه و نرخ بهره بالاتری را از آن‌ها مطالبه می‌کنند. به همین خاطر در ابتدای امر تاثیر سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر در حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط بیشتر به چشم می‌خورد.

صفرپور و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان "نقش شرکت‌های سرمایه‌گذاری پر ریسک (VC) و بانک‌ها در وام‌ها و عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط" پرداختند. نتایج نشان داد: شرکت‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر (VC) و بانک‌ها در وام‌های بانکی، کیفیت گزارشگری و بدهی‌های بلند مدت شرکت‌های کوچک و متوسط تاثیر معناداری ندارد ولی بر عملکرد این شرکت‌ها تاثیر معنادار و مستقیم (هرچند ضعیف) دارد. همچنین بررسی بر اساس چرخه عمر و مرحله رشد شرکت‌های کوچک و متوسط نیز تفاوتی در نتایج ایجاد نکرد.

توحیدی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان "راهکارهای ارتقاء دسترسی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به خدمات بانکی در ایران" پرداختند. نتایج نشان داد: دولت‌ها با سیاست‌گذاری حمایتی و اصلاح قوانین مربوطه در جهت تسهیل اخذ خدمات بانکی توسط این کسب‌وکارها اقدامات مؤثری انجام داده‌اند. همچنین بانک‌ها با استفاده از فناوری‌های نوین مالی (فینتک)، در حوزه ارزیابی دقیق ریسک اعتباری و تسهیل فرآیند وام‌دهی، خدمات گسترده‌تری به این کسب‌وکارها ارائه می‌دهند. بانک‌های دنیا در سال‌های اخیر با توسعه خدمات مرتبط با کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و نگاه تخصصی به این موضوع، علاوه بر کمک به دسترسی بهتر این کسب‌وکارها به خدمات بانکی، سود قابل توجهی از این حوزه کسب کرده‌اند. در ایران با توجه به خلأ عمیق دانشی و عملیاتی، نیازمند پژوهش و دقت عمل بیشتری در این موضوع هستیم.

سعیدی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان "بررسی عملکرد بانک کشاورزی در تامین مالی خرد (مطالعه موردی بانک کشاورزی استان اصفهان)" پرداختند. نتایج نشان داد: بنگاه‌های کوچک و متوسط نقش انکارناپذیری در پیشرفت و شکوفایی کشورها دارند. بنگاه‌های کوچک و متوسط نهادهای محدود اقتصادی هستند که از طریق انباشت منابع مالی خرد، کارآفرینی و پیوند با صنایع، زمینه‌های توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورند این بنگاه‌ها همچنین در رشد اقتصادی، اشتغال، تولید ثروت و کاهش فقر کشورها نقش حیاتی ایفا می‌کنند در این راستا تامین مالی خرد سبب توانمندسازی بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌شود و یکی از موثرترین روش‌ها برای توزیع عادلانه درآمد و ثروت است و موجب افزایش تولید و کاهش تورم می‌گردد و چرخه اقتصاد را فعال‌تر می‌کند.

فینگان (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان "سیاست پولی غیر متعارف بانک مرکزی اروپا و دسترسی SME ها به منابع مالی" پرداخت. نتایج نشان داد: در طول دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۹، بانک مرکزی اروپا (ECB) سیاست پولی غیرمتعارف (UMP) را برای بازگرداندن شرایط تامین مالی در منطقه یورو، حمایت از رشد اقتصادی قوی‌تر و تورم بالاتر درگیر کرد. شرکت‌های کوچک‌تر و جوان‌تر که ریسک‌پذیر نیز در نظر گرفته می‌شوند،

در این دوره اعتبار، محدود باقی می‌مانند. همچنین شرکت‌های کوچک و متوسط اهرمی در کشورهایی که تحت فشار قرار دارند هستند، حتی زمانی که سیاست‌های پولی انبساطی است، بیشتر در محدودیت اعتبار باقی می‌مانند. بنابراین سیاست پولی باید بیشتر برای حمایت از دسترسی شرکت‌های کوچک و جوان به اعتبار برنامه ریزی شود تا سرمایه گذاری و رشد بیشتر را تسهیل کند.

ژبراردون و کالا برزر (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان "پراکندگی مالی و دسترسی SME ها به منابع مالی" پرداختند. نتایج نشان داد: که افزایش در تقسیم‌بندی مالی نه تنها احتمال سهمیه‌بندی همه شرکت‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه نرخ‌های وام بالاتری را نیز دریافت می‌کنند. علاوه بر این، احتمال دلسردی وام گیرندگان را افزایش می‌دهد و ادراک شرکت‌ها را از در دسترس بودن وجوه بانکی در آینده مختل می‌کند. شرکت‌هایی که اعتبار کمتری دارند، حتی بیشتر احتمال دارد که سهمیه‌بندی اعتباری داشته باشند، که نشان‌دهنده گریز از اثر کیفی در وام دادن است. با این حال، این مطالعه همچنین یک اثر نامطلوب بالقوه افزایش قدرت بازار بانک را که در نتیجه یکپارچگی بیشتر است، مستند می‌کند. این نشان می‌دهد که یکپارچگی مالی می‌تواند تامین مالی شرکت‌ها را مختل کند، اگر با ابتکارات سیاستی، با هدف حفظ سطح بهینه رقابت، در بخش بانکی همراه نباشد.

مک کاهری و گودکه ویگا<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان "تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط: تحلیلی از شکاف مالی در برزیل" پرداختند. نتایج نشان داد: که پیشرفت در بهبود دسترسی به منابع مالی برای SME ها به دلیل فقدان وثیقه موجود با مشکل مواجه شده است. برزیل دارای دو برنامه تضمینی مهم است که پشتیبانی مهمی را برای برخی از SME هایی که به دنبال دسترسی به سرمایه وام هستند، ارائه می‌دهد. اگرچه پیشنهاداتی برای گسترش برنامه‌های ضمانت وام موجود ارائه شده است، اما تا به امروز پیشرفت چندانی نداشته است. بنابراین، گسترش موفقیت‌آمیز برنامه‌های موجود و ایجاد برنامه‌های جدید برای کاهش شکاف وام به SME ها در برزیل اهمیت زیادی دارد.

## فرضیه‌ها

### طرح کسب و کار

به گفته گافی، طرح کسب و کار یک الزام ضروری در آغاز کسب و کار است و به عنوان یک عنصر مهم برای کسب حمایت مالی از موسسات بانکی مورد استفاده قرار می‌گیرد به گفته مازیکو<sup>۲</sup> (۲۰۱۲)، اطلاعات نامتقارن بین شرکت‌های کوچک و متوسط در ارائه داده‌های مالی منسجم و برنامه‌های تجاری می‌باشد بنابراین، طرح کسب و کار نه تنها در کاهش هزینه‌های عملیاتی تأثیری ندارد، بلکه ابزاری کلیدی در تصمیم‌گیری در مورد استفاده از وام‌های بانکی توسط شرکت‌ها می‌باشد این به ویژه برای کسب و کارهای نوپا صدق میکند. بنابراین، فرضیه زیر ایجاد می‌شود:

H1: شرکت‌های کوچک و متوسط که طرح‌های تجاری دارند، بیشتر از SME هایی که طرح‌های تجاری مکتوب ندارند، از وام‌های بانکی استفاده می‌کنند.

### رشد شرکت

رشد SME ها به سطح سرمایه گذاری بستگی دارد. رشد شرکت‌های کوچک و متوسط را می‌توان به روش‌های مختلفی از جمله رشد فروش، سود یا تعداد کارکنان اندازه‌گیری کرد. در این مطالعه، این متغیر از طریق رشد تعداد کارکنان اندازه‌گیری می‌شود.

توانایی SME ها برای رشد به میزان زیادی به پتانسیل آن‌ها برای سرمایه گذاری در بازسازی و نوآوری بستگی دارد. این سرمایه‌گذاری‌ها نیز نیازمند سرمایه یا منابع مالی می‌باشند. به گفته گانبولد<sup>۳</sup> (۲۰۰۸)، در تحقیق بانک جهانی، یکی از مشکلات کلیدی در رشد بنگاه، دسترسی به

<sup>1</sup> Godke Vega & McCahry, 2019

<sup>2</sup> Maziko, 2012

<sup>3</sup> Gunbold, 2008

خدمات مالی است که در رشد اقتصادی، اشتغال زایی و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه منعکس می‌شود. بر اساس تئوری رشد شرکت (صفرپور و همکاران، ۱۴۰۰)، شرکت‌های جدید سریعتر رشد می‌کنند، به این معنی که آن‌ها باید بیشتر سرمایه‌گذاری کنند. بنابراین، فرضیه زیر ایجاد می‌شود:

H2: SME‌هایی که سریعتر رشد می‌کنند، بیشتر از آنهایی که سطح رشد پایینی دارند، سرمایه‌گذاری می‌کنند.

### منابع تامین مالی

مشارکت بیشتر تامین مالی سرمایه‌گذاری از منابع داخلی شرکت‌های کوچک و متوسط، احتمال اخذ وام‌های بانکی را افزایش می‌دهد، زیرا منابع داخلی، هزینه، فرصت و تامین مالی پروژه را بر عهده دارند. بنابراین، SME‌ها سطح بالاتری از اعتماد را به آن‌ها ارائه می‌دهند. از آنجایی که در صورت شکست، بار غیرمنتظره بر دوش خود SME‌ها می‌افتد. ادوینسون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در تحقیقات خود که در ۱۶ کشور OECD انجام دادند، مشخص کردند که بانک‌ها ۱۰۰٪ ارزش دارایی را در هیچ یک از این کشورها تامین مالی نمی‌کنند، اما آن‌ها این کار را با ضریب وام / دارایی مشخص انجام می‌دهند. این برای همه کشورهای یکسان نیست و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است (از حداقل تامین مالی ۵۰ درصد در ترکیه و یونان تا ۹۵ درصد).

بنابراین، محققان لی و راتی (۲۰۰۸) و آن و همکاران (۲۰۰۶)<sup>۲</sup> رابطه منفی بین بدهی و سرمایه‌گذاری را گزارش می‌دهند. این رابطه در بین شرکت‌های کوچکتر قوی‌تر است. با افزایش بدهی (وام‌ها)، جریان نقدی به طور فزاینده‌ای برای تسویه وام و بهره آن استفاده می‌شود. در نتیجه، بنگاه‌ها با مشکلات بیشتری به تعهدات خود در قبال طلبکاران عمل می‌کنند و از سوی دیگر امکان سرمایه‌گذاری‌های جدید، کاهش می‌یابد (فینگان<sup>۳</sup>، ۲۰۲۳).

بنابراین فرضیه زیر ایجاد می‌شود:

H3: هر چه منابع داخلی SME‌ها بیشتر باشد، دریافت وام بانکی برای تامین مالی سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود.

### تحصیلات

تحصیلات یکی از عوامل مهمی است که بر رشد شرکت تأثیر می‌گذارد. بنابراین، سطح بالای سرمایه‌انسانی (تحصیلات و تجربه) تأثیر مثبتی در رشد شرکت دارد. صاحبان بنگاه که سن پایین و تحصیلات پایینی دارند، در استفاده از منابع مالی خارجی فعال ترند. در این میان، صاحبان بنگاه که سن بالاتر و تحصیلات بالاتری، دارند کمتر علاقه‌مند به منابع مالی خارجی هستند (ژیراردون و کالا برزر<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰). بنابراین، اکثریت صاحبان SME‌ها ترجیح می‌دهند کنترل خود را حفظ کنند و برای سرمایه‌گذاری درخواست نکنند بنابراین، سرمایه داخلی منبع اصلی تامین مالی SME‌ها است. رند<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) استدلال می‌کند که مالکان-مدیران با تحصیلات بالاتر می‌توانند راحت‌تر درک کنند که الزامات آن‌ها برای اعتبارات قابل رد است.

H4: مالکان/مدیران با سطح تحصیلات بالا از وام‌های بانکی کمتری برای تامین مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند.

## روش اجرای پژوهش

### منابع داده

<sup>1</sup> Edwinston et al, 2016

<sup>2</sup> Lee and Ratti, 2008 & An et al, 2006

<sup>3</sup> Finnegan, 2023

<sup>4</sup> Girardon & Calabrese, 2020

<sup>5</sup> Rand, 2007

این تحقیق از نظر هدف از نوع کاربردی می‌باشد زیرا نتایج این تحقیق قابل استفاده برای کلیه شرکت‌های کوچک و متوسط است. از لحاظ اجرا از نوع توصیفی - پیمایشی بوده و از لحاظ گردآوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی است. جامعه آماری در این پژوهش شرکت‌های کوچک و متوسط واقع در جزیره کیش می‌باشند. لذا بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با استفاده از جدول مورگان نمونه ۱۵۰ شرکت کوچک و متوسط برای نظرسنجی در خصوص ویژگی‌های مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها و تامین مالی آن‌ها به طور خاص، انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر پرسشنامه محقق ساخته در خصوص هدف پژوهش بوده است. و روش گردآوری اطلاعات میدانی به شیوه مصاحبه به طور مستقیم (رو در رو) با مالکان یا مدیران مالی شرکت‌ها انجام شده است. همچنین در سه بخش اصلی طبقه بندی می‌شود تا تغییرات احتمالی را در بین شرکت‌های تولیدی، تجاری و خدماتی منعکس کند. روایی پرسشنامه حاضر صوری زیر نظر استادان و مشاوران متخصص تأیید شد و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۸ تعیین شد. ابزار تحلیل اطلاعات در این پژوهش تحلیل محقق و بنا به نیاز نرم‌افزار، STATA بوده است.

### پرسشنامه

پرسشنامه شامل ۴ بخش عمده بود. بخش اول شامل داده‌های مالک/مدیر شرکت و داده‌های کلی درباره شرکت (محل، سال تاسیس، نوع فعالیت و صلاحیت مالکان/مدیران) بود. بخش دوم شامل جهت گیری توسعه در آینده و سرمایه‌گذاری بود و اطلاعاتی در خصوص حجم سرمایه‌گذاری‌ها، منابع سرمایه‌گذاری، استفاده از وام‌های بانکی در تحقق سرمایه‌گذاری‌ها، شرایط تامین مالی، فعالیت‌های انجام شده و تحقق سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌های سرمایه‌گذاری برای آینده در طول دوره ارائه شده است. بخش سوم اطلاعات مربوط به فعالیت‌های تجاری بنگاه‌ها در داخل و خارج از کشور را پوشش می‌دهد، یعنی اینکه آیا شرکت خاصی کالا وارد می‌کند یا صادر می‌کند. بخش چهارم شامل داده‌های مربوط به طرح‌های تجاری شرکت‌ها است: داشتن طرح تجاری و تأثیر آن بر تصمیمات بانک‌ها می‌باشد. اطلاعات جمع‌آوری شده از پرسشنامه برای تعیین متغیرهای مدل اقتصادسنجی رگرسیون خطی حائز اهمیت است.

### مدل تحقیق

تعیین متغیرهای کلیدی محقق را قادر می‌سازد تا ساختار مدلی را تعریف کند که با آن حجم سرمایه‌گذاری‌ها و رشد آن‌ها را در شرکت‌های کوچک و متوسط سنجش کند.

ساختار مدل اقتصادسنجی به صورت زیر ارائه می‌شود:

(۱)

$$Y = \alpha_0 + \beta_1 x_1 + \beta_2 x_2 + \beta_3 x_3 + \beta_4 x_4 + \beta_5 x_5 + \beta_6 x_6 + \beta_7 x_7 + \beta_8 x_8 + \beta_9 x_9 + \mu$$

(۲)

$$Y = \alpha_0 + \beta_1 \text{entre\_edu} + \beta_2 \text{inter\_exter} + \beta_3 \text{business\_plan} + \beta_4 \text{production} + \beta_5 \text{trade} + \beta_6 \text{firm\_age} \\ + \beta_7 + \text{no\_own} + \beta_8 \text{size\_emp} + \beta_9 \text{service} + \mu$$

متغیر وابسته:

Y = سرمایه\_ رشد

بنابراین متغیر وابسته invest \_ growth سرمایه\_ رشد است و رشد سرمایه‌گذاری را در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد.

متغیرهای مستقل به صورت زیر کدگذاری می‌شوند:

entre\_edu – برای مالکان/مدیران که تحصیلات دانشگاهی را به پایان رسانده اند کد ۱ و برای مالکان/مدیران که تحصیلات دانشگاهی ندارند کد ۰ می‌باشد.

inter\_exter – به عنوان نسبتی بین سرمایه گذاری‌های انجام شده از منابع داخلی با سرمایه گذاری‌های تامین شده از منابع خارجی اندازه گیری می‌شود.

business\_plan – برای شرکت‌هایی که طرح کسب و کار دارند کد ۱ و در غیر این صورت ۰ می‌باشد.

تولید – برای شرکت‌های بخش تولید کد ۱ و در غیر این صورت ۰ می‌باشد.

تجارت – برای شرکت‌های فعال در بخش تجارت با کد ۱ و در غیر این صورت ۰ می‌باشد.

خدمات – برای شرکت‌های فعال در بخش خدمات با کد ۱ و در غیر این صورت ۰ می‌باشد.

firm\_age – تعداد سال‌هایی را که شرکت در فعالیت تجاری است را بیان می‌کند.

no\_own – تعداد مالکان را نشان می‌دهد.

size\_emp – نشان دهنده اندازه شرکت است که از طریق تعداد کارمندان بیان می‌شود.

## یافته‌های پژوهش

نتایج نشان می‌دهد که مدل خطی رگرسیون ذکر شده در بالا، با توجه به اینکه ضریب تعیین (تشخیص) ۰.۳۶ است، خوب مشخص شده است، و نشان می‌دهد که تغییر در متغیرهای مستقل، تغییرات متغیر وابسته را برای بیش از ۳۶٪ توضیح می‌دهد. علاوه بر این، آزمون آماری F نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مستقلی که به طور مشترک از نظر آماری معنی دار هستند، با صفر تفاوت دارند.

همچنین، تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که مناسب بودن متغیرها برای مدل توسط ضریب تعیین (تشخیص) حتی با وجود مقدار بالا قابل تشخیص نیست و می‌توان به مقدار برآورد شده ضریب تعیین تعدیل شده اعتماد کرد. همچنین متغیر وابسته دارای توزیع نرمال است.

جدول ۱. همبستگی بین ضرایب در سطح معنی داری ۵ درصد

خدمات	تولید	تجارت	سن شرکت	مدیران مالکان	داخلی و خارجی	منابع خارجی	تاکید بر اندازه	بر طرح کسب و کار
خدمات	۱/۰۰۰۰							
تولید	۰/۱۴۲۷							
تجارت	-۰/۱۵۸۵	۱/۰۰۰۰						
سن شرکت	۰/۲۴۱۸	-۰/۱۵۰۰	۱/۰۰۰۰					
مالکان	۰/۱۷۱۸	-۰/۰۳۰۰	۰/۱۴۹۱	۱/۰۰۰۰				
داخلی خارجی	-۰/۰۷۳۸	۰/۳۷۶۰	-۰/۱۳۱۸	-۰/۱۸۲۵	۱/۰۰۰۰			
منابع خارجی	-۰/۱۰۲۷	-۰/۱۰۴۷	-۰/۰۳۰۸	-۰/۲۴۷۲	۰/۰۶۹۵	۱/۰۰۰۰		
تاکید بر اندازه	۰/۰۵۵۱	۰/۱۹۶۷	۰/۰۸۴	۰/۴۴۸۷	-۰/۰۹۱۴	-۰/۲۹۹۳	۱/۰۰۰۰	
طرح کسب و کار	-۰/۱۶۷۷	۰/۱۴۵۲	-۰/۳۱۱۹	-۰/۰۵۶۵	۰/۲۱۴۰	-۰/۲۶۳۶	۰/۱۹۸۲	۱/۰۰۰۰

بر اساس جدول ۲ که نتایج رگرسیون خطی در آن ارائه شده است، از ۹ متغیر مستقل، شش متغیر با تاثیر بر متغیر وابسته یا بر رشد سرمایه گذاری از نظر آماری معنادار هستند.

جدول ۲. عوامل تعیین کننده تامین مالی رشد سرمایه گذاری شرکت از طریق منابع خارجی

سطح اطمینان ۹۵٪	P> t	T-Value	خطای استاندارد	ضریب همبستگی	سرمایه_ رشد	
۲۷/۰۳۶۷۴	۱۸۶/۶۰۶۴	۰/۲۱۸	۱/۲۴	۶۴/۵۱۳۱۴	۷۹/۷۸۴۸۱	خدمات
-۶۱۸/۴۳۰۷	-۱۲۳۲/۹۴۸	۰	-۴/۹۹	۱۸۵/۵۶۴	-۹۲۵/۶۸۹۵	تجارت
-۲۲۴/۴۲۶۷	-۸۵۲/۹۹۶	۰/۰۰۵	-۲/۸۴	۱۸۹/۸۰۷۲	-۵۳۸/۷۱۱۴	تولید
۵۷۲/۶۲۲۴	-۱۳/۹۴۳۸۴	۰/۱۲۹	-۱/۵۳	۳/۳۸۳۴۹۱	-۶/۶۸۵۶۰۸	سن شرکت
۷۸/۳۸۰۴۳	-۸۱/۲۵۳۳۸	۰/۹۷۶	-۰/۰۳	۴۸/۲۰۴۱۳	-۱/۴۳۶۴۷۷	داخلی خارجی
۱/۵۱۳۸۵۳	-۰/۷۹۳۱۰۹۸	۰/۶۰۶	۰/۵۲	۰/۳۹۶۶۲۶۴	۰/۳۶۰۳۷۱۶	منابع خارجی
۱۶۲/۳۶۳۱	۷/۵۶۳۵۱	۰/۰۳۲	۲/۱۷	۳۹/۱۴۹۰۷	۸۴/۹۶۳۳۲	طرح کسب و کار
-۱۶/۷۷۵۸۳	-۳۴/۵۵۱۸	۰	-۴/۷۸	۵/۳۶۷۷۵۶	-۲۵/۶۶۳۸۱	تاکید بر اندازه
۲۰۵/۷۹۳۸	۸۷/۱۳۲۵۵	۰	۴/۰۹	۳۵/۸۳۳۱۴	۱۴۶/۴۶۵۴	مالکان
۱۳۴۰/۰۹۵	۶۲۸/۹۰۸۶	۰	۴/۵۸	۲۱۴/۷۵۴۷	۹۸۴/۵۰۱۷	نتیجه

Adj.R2=0.36% .N=150

- ✓ بر اساس یافته ها، متغیر طرح کسب و کار، از نظر آماری معنادار و دارای علامت مثبت است. این بدان معناست که شرکت‌هایی که طرح‌های تجاری دارند، به طور متوسط رشد سرمایه‌گذاری بیشتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که طرح‌های تجاری ندارند. یافته این فرضیه با یافته پژوهش، مازیکو<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) همسو است و اشاره دارد که: طرح کسب و کار به عنوان وسیله‌ای برای افزایش تأمین مالی از منابع خارجی عمل می‌کند.
- ✓ متغیر تجارت در مقایسه با شرکت‌های متعلق به بخش خدمات از نظر آماری معنی‌دار بوده و تأثیر منفی بر رشد سرمایه‌گذاری دارد. این بدان معناست که خدمات به طور متوسط بیشتر از سایر بخش‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. علاوه بر این، متغیر تولید نیز در مقایسه با شرکت‌های متعلق به بخش خدمات، از نظر آماری معنی‌دار بوده و تأثیر منفی بر افزایش سرمایه‌گذاری دارد. این بدان معناست که در مقایسه با بخش خدمات، بخش تولید کمتر از سایر بخش‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند.
- ✓ متغیر بعدی "no\_own" که تعداد مالکان را نشان می‌دهد، که از نظر آماری معنی‌دار و دارای تأثیر مثبت است، به این معنی که هرچه تعداد مالکان بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد بود.
- ✓ همچنین "size\_emp" را به عنوان متغیری در نظر گرفته شده، که اندازه شرکت را با تعداد کارکنان نشان می‌دهد و از نظر آماری معنی‌دار است و بر رشد سرمایه‌گذاری‌ها تأثیر معکوس دارد. این بدان معناست که شرکت‌های کوچکتر رشد سرمایه‌گذاری بیشتری دارند. این یافته به وضوح نشان می‌دهد که با افزایش تعداد کارکنان، شرکت‌ها کندتر رشد می‌کنند.
- سن شرکت به عنوان یک متغیر مستقل از نظر آماری معنادار و با علامت منفی است، به این معنی که شرکت‌های جدید سریعتر از شرکت‌های قدیمی رشد می‌کنند. این اطمینان هسمو با یافته‌های بسیاری از محققان دیگر (صفرپور و همکاران (۱۴۰۰) و فینگان (۲۰۲۳)). است که مشخص می‌کنند شرکت‌های جوان‌تر سریع‌تر از شرکت‌های قدیمی‌تر رشد می‌کنند و بنابراین، رشد سرمایه‌گذاری بالاتری دارند.
- ✓ در نهایت، تحصیلات نشان‌دهنده متغیری است که از نظر آماری معنی‌دار نیست و دارای علامت منفی است، به این معنی که سطح تحصیلات مالکین بر منابع مالی خارجی (وام‌های بانکی) برای سرمایه‌گذاری‌های SME تأثیری ندارد. این امر با این واقعیت توضیح داده می‌شود که شرکت‌های کوچک و متوسط جزیره کیش از کمبود دائمی سرمایه رنج می‌برند و به طور متوسط بازه زمانی تاسیس کوتاه است

<sup>1</sup> Zhang, 2008

و ادواتی که از سود انباشته می‌شود برای تامین مالی سرمایه‌گذاری‌ها ناکافی است. بنابراین تنها جایگزینی که برای آن‌ها باقی می‌ماند تامین مالی از طریق اعتبارات بانکی است.

## نتیجه‌گیری

در این مطالعه به بررسی تجربی عوامل کلیدی شرکت‌های کوچک و متوسط جزیره کیش که بر افزایش رشد سرمایه‌گذاری از طریق وام‌های بانکی تأثیر می‌گذارد، پرداخته شد. داده‌های جمع‌آوری شده توسط پرسشنامه محقق ساخته با ۱۵۰ شرکت کوچک و متوسط برای سنجش تأثیر برخی عوامل در افزایش سرمایه‌گذاری از طریق استفاده از وام‌های بانکی، استفاده شد. بر اساس تجزیه و تحلیل آماری و روش رگرسیون خطی، عوامل کلیدی به عنوان شاخص‌هایی شناسایی می‌شوند که بر رشد سرمایه‌گذاری شرکت‌های کوچک و متوسط در جزیره کیش تأثیر می‌گذارند.

❖ یافته‌های این مطالعه تأکید می‌کند که طرح کسب‌وکار عاملی مهم است و تأثیر مثبتی در دسترسی به وام‌های بانکی برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری SMEها دارد. این بدان معناست که شرکت‌هایی که دارای طرح تجاری هستند و از آن برای دریافت وام‌های بانکی لازم برای تامین مالی سرمایه‌گذاری‌ها استفاده می‌کنند، به طور متوسط نسبت به شرکت‌هایی که طرح تجاری ندارند، رشد سرمایه‌گذاری بیشتری دارند.

❖ متغیرهای تجارت و تولید از نظر آماری معنادار هستند، اما بر رشد سرمایه‌گذاری‌ها تأثیر منفی دارند. این بدان معناست که بنگاه‌هایی که از وام‌های بانکی برای سرمایه‌گذاری در بخش تجارت و تولید استفاده می‌کنند، به طور متوسط شانس رشد کمتری نسبت به شرکت‌های بخش خدمات دارند. این شاخصی است که نشان می‌دهد بخش خدمات در بعد سرمایه‌گذاری شرکت‌های کوچک و متوسط جزیره کیش نسبت به سایر بخش‌های اقتصاد جذاب‌تر است و این امر ناشی از بازگشت سریع‌تر سرمایه‌گذاری‌ها و در نتیجه تسویه سریع‌تر وام‌های بانکی است.

❖ متغیر بعدی که تعداد مالکان نام دارد نیز در بعد آماری نتایج مثبت و معناداری دارد، به این معنی که هر چه تعداد مالکان بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری نیز بیشتر می‌شود. این امر با این واقعیت توضیح داده می‌شود که مالکان از سرمایه‌گذاری به عنوان فرصت دیگری برای رشد و توسعه شرکت استفاده می‌کنند، که این بر رشد تجارت و شرکت تأثیر می‌گذارد.

❖ اندازه شرکت که با تعداد کارکنان بیان می‌شود، تأثیر معکوس بر رشد سرمایه‌گذاری دارد و از نظر آماری معنادار است. معنای این امر این است که شرکت‌های کوچک‌تر به طور متوسط رشد سرمایه‌گذاری بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند.

❖ در مورد متغیر سن شرکت حاصل می‌شود که از نظر آماری معنی دار و دارای علامت منفی است، به این معنی که شرکت‌های جوان به طور متوسط بیشتر از شرکت‌های قدیمی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

## توصیه‌های راهبردی و سیاستی

شواهد و یافته‌های تجربی در این کار می‌تواند به عنوان توصیه برای طیف گسترده‌ای از کاربران استفاده شود.

- مشکلات اطلاعات نامتقارن بین مالکان - مدیران و بستانکاران (بانک‌ها) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نشان دهنده سیگنال روشنی برای سیاستگذاران است تا شرایطی را برای ایجاد محیط مساعد برای تحریک منابع مالی خارجی SMEها در جزیره کیش ایجاد کنند، مانند: ایجاد صندوق تضمین برای SMEها، افزایش عرضه بانکی از طریق صدور مجوز بانک‌های جدید در بازار مالی که رقابت بین بانک‌های موجود را افزایش داده و به نوبه خود با کاهش سود، کاهش هزینه‌های مدیریتی، بهبود شرایط تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط را ممکن می‌سازد. دوره مهلت، انعطاف شرایط برای وثیقه، دوره‌های طولانی‌تر استفاده از ابزارهای مالی، به ویژه برای SMEهایی که برنامه‌های سرمایه‌گذاری طولانی‌تری دارند.

- همچنین در بعد نهادی باید برای ایجاد شرایط توسعه قابلیت‌های کارآفرینی و بنگاه‌ها که رشد کسب‌وکارها به طور عام و رشد سرمایه‌گذاری را به طور خاص تسهیل میکنند، ابتکار عمل نشان داد.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

## حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## فهرست منابع

## Extended Abstract

### Introduction

Small and medium-sized enterprises (SMEs) are widely recognized as the backbone of private sector development across the globe, given their significant contributions to employment creation, poverty reduction, income distribution, and the empowerment of women and youth. Beyond their economic role, SMEs also play a crucial function in fostering social, political, and cultural development. Nevertheless, despite their importance, SMEs consistently face considerable barriers to growth, with one of the most critical being limited access to finance. These financial challenges are evident in the difficulty SMEs encounter in securing sufficient funds for start-up, expansion, and innovation. Financing typically comes from two principal sources: formal channels such as banks and financial institutions, and informal sources such as loans from family and friends (Gudke-Vega & McCahry, 2019). However, banks, as the main suppliers of formal financing, are often reluctant to lend to SMEs due to their lack of adequate collateral and insufficient track records, which banks interpret as increased lending risk. Banks pursue profit maximization, which entails simultaneously seeking high returns, minimizing risk exposure, and ensuring liquidity by managing their cash reserves prudently. This operational logic makes lending to SMEs particularly complex and often unfavorable from a banking perspective (Rostami & Goodarzi, 2022).

In practice, these obstacles manifest in information asymmetries, small firm size, lack of reliable financial histories, and inconsistent accounting data, which complicate credit assessments and discourage banks from extending loans (Soheili, Fattahi, & Hassani, 2020). This challenge is particularly acute in Iran, where SMEs account for nearly 80% of all business entities but struggle disproportionately with financial exclusion. Data from the Central Bank of Iran (2023) reveal that only 4.5% of SME investments are financed by bank loans, while more than 95% rely on private resources. This imbalance highlights a structural financing gap that restricts their growth potential. Similar patterns have been observed internationally, where restrictive monetary conditions and lack of credit availability disproportionately affect SMEs, especially those that are smaller and younger (Finnegan, 2023). For instance, financial segmentation often raises borrowing costs and leads to credit rationing, thereby reducing firms' expectations of future loan availability (Girardon & Calabrese, 2020).

Previous studies in Iran and abroad have underscored these challenges. Research on supply chain financing for SMEs shows that current systems compel each enterprise to individually apply for bank loans, post collateral, and request working capital financing, which increases costs and creates inefficiencies in production cycles (Motameni, Amini, & Salamaty, 2022). Other studies demonstrate that while venture capital and banks may not significantly influence SMEs' long-term debt or financial reporting, they still have a modest but direct positive impact on firm performance (Safarpour, Khoshkar, & Khosrovanipour, 2021). Moreover, microfinance initiatives, as examined in case studies of Iranian agricultural banks, reveal how such mechanisms can empower SMEs by enhancing equitable income distribution, boosting production, and stimulating economic cycles (Saedi, Amini, & Afshani, 2018).

On a broader scale, empirical evidence suggests that access to external financing is essential for investment-led SME growth. For instance, Maziku (2012) demonstrates that coherent business plans are critical for reducing information asymmetries and enabling banks to approve loans. Similarly, evidence from Brazil highlights the financing gap created by insufficient collateral availability, even when guarantee schemes exist (Gudke-Vega & McCahry, 2019). From the perspective of leverage and investment theory, excessive reliance on debt can constrain new investments by diverting cash flows toward debt repayment (Ahn, Denis, & Denis, 2006). Taken together, these findings underscore the importance of understanding how banking access influences SME growth in specific local contexts. Against this background, this study investigates the role of banks in financing SMEs in Kish Island, Iran, with a particular focus on debt financing as a driver of investment growth.

### **Methods and Materials**

This study adopts an applied research design with a descriptive–survey method. The population includes SMEs located on Kish Island, with a simple random sampling technique used to select 150 firms. Data collection relied on a researcher-designed questionnaire administered through face-to-face interviews with firm owners or financial managers. The instrument was validated through expert review and achieved a Cronbach's alpha reliability coefficient of 0.88. The questionnaire was divided into four sections: general firm and owner characteristics; future development and investment orientations; business operations (including trade and exports); and the existence of written business plans. The data were analyzed using linear regression econometric modeling, with investment growth (measured by changes in employee numbers in 2023) as the dependent variable. Independent variables included firm age, size, ownership structure, sector (manufacturing, trade, or services), financing sources, and business plan status. Data analysis was conducted using STATA software.

### **Findings**

Regression analysis revealed that the model explained 36% of the variance in investment growth, with an adjusted  $R^2$  of 0.36. Out of nine independent variables, six were statistically significant predictors of investment growth. Business plans were found to have a positive and statistically significant effect, indicating

that firms with formal business plans exhibited higher investment growth compared to those without plans. Sectoral differences emerged, with trade and manufacturing firms showing negative effects relative to service-sector firms, suggesting that services invested more actively and experienced faster growth.

The ownership variable, measured by the number of firm owners, was positively significant, implying that firms with more owners tended to achieve greater investment growth. Conversely, firm size (measured by employee numbers) had a negative and significant relationship, highlighting that smaller firms demonstrated stronger investment growth relative to larger ones. Firm age also showed a negative effect, consistent with the idea that younger firms grow more rapidly than older counterparts. Educational attainment of owners or managers, however, was not statistically significant, indicating that in this context, human capital did not directly influence access to external financing or investment growth. These findings align with descriptive statistics showing that SMEs in Kish Island suffer from chronic capital shortages, short operating histories, and insufficient retained earnings, making bank loans their only viable option for financing.

### Discussion and Conclusion

The results of this study provide empirical evidence on the role of banks in SME financing in Kish Island, demonstrating that access to external debt financing significantly shapes investment growth. A key conclusion is that having a formal business plan substantially improves the likelihood of securing bank loans, thereby supporting higher levels of investment. This finding reinforces earlier research emphasizing the importance of structured documentation in overcoming information asymmetries and facilitating bank decision-making. Moreover, sectoral differences reveal that service firms are more capable of leveraging bank financing for growth compared to manufacturing and trade firms, possibly due to faster capital turnover and reduced collateral requirements.

The positive influence of ownership structure suggests that diversified ownership enhances financial confidence and willingness to invest, whereas smaller and younger firms display greater dynamism in terms of growth potential. The absence of significance for educational variables reflects the structural financing constraints of Kish Island SMEs, where capital scarcity overrides the advantages of managerial expertise. Taken together, these findings highlight both the opportunities and challenges SMEs face when relying on banks for growth financing.

From a policy perspective, the study underscores the importance of reducing information asymmetries, creating guarantee schemes, and fostering greater banking competition to improve financing conditions for SMEs. Practically, it suggests that SMEs can enhance their growth prospects by developing robust business plans, forming broader ownership structures, and targeting sectors with faster capital returns. Overall, the study concludes that while banks play a pivotal role in SME financing, structural reforms and institutional innovations are required to unlock the full potential of SMEs in driving economic growth in Kish Island and beyond.

### References

- Ahn, S., Denis, D., & Denis, D. (2006). Leverage and investment in diversified firms. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 317–337. <http://dx.doi.org/10.1016/j.fineco.2005.03.002>
- Fatanat Fard Haghghi, M., Ghavam, M. H., & Keyvan, M. E. (2022). *Identification of components of banking system interaction with acquired business enterprises and providing an operational plan* (Master's thesis, Imam Sadiq University). Faculty of Islamic Studies and Management.
- Finnegan, S. (2023). The European Central Bank's unconventional monetary policy and SMEs' access to finance. *Business Economics*, 61, 1253–1288.
- Girardon, A., & Calabrese, R. (2020). Financial inclusion and SMEs' access to finance. *Business Economics*, 57, 2041–2065.
- Gudke-Vega, M., & McCahry, J. A. (2019). Financing SMEs: An analysis of the financial gap in Brazil. *European Trade Organization Law Review*, 20, 633–664.

- Maziku, M. (2012). *Credit rationing for small and medium-scale enterprises in the commercial bank loan market*. Dar es Salaam, Tanzania.
- Motameni, A., Amini, M., & Salamaty, M. (2022). *Identification and ranking of factors influencing the success of supply chain financing for small and medium-sized enterprises* (Master's thesis, Shahid Beheshti University). Faculty of Management and Accounting.
- Rostami, M., & Goodarzi, R. (2022). *Examining the relationship between venture capital and improving access to bank loans in small and medium-sized enterprises* (Master's thesis, Alzahra University). Faculty of Social and Economic Sciences.
- Saeedi, A., Amini, M., & Afshani, M. (2018). *An analysis of the performance of Agricultural Bank in micro-financing (Case study: Agricultural Bank of Isfahan Province)* (Master's thesis, Urmia University). Faculty of Humanities.
- Safarpour, M., Khoshkar, F., & Khosrovanipour, H. (2021). *The role of venture capital (VC) companies and banks in loans and performance of small and medium-sized enterprises* (Master's thesis, Nasir Khusrow Institute of Higher Education). Faculty of Accounting.
- Soheili, K., Fattahi, Sh., & Hassani, A. (2020). *The impact of economic instability on the growth of bank credit in OECD countries* (Master's thesis, Razi University). Faculty of Social and Educational Sciences.